

مصالحه با آمریکانه منطق سیاسی دارد نه اقتصادی

صفحه ۲۴ه را بخوانید



نگاه تحلیلی به جدیدترین آمار و ارقام مهاجرت علم

گرجستان و ترکیه مقصد جدید دانشجویان مهاجر ایرانی»

فرهیختگان

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان
روز معلم گرامی باد
شماره مسلسل ۳۷۶۵
پنجمین ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۹
فروردین ۱۴۴۱
۳۰ آوریل ۲۰۲۰
شماره ۳۰۲۷

www.fdn.ir | Thu | 30 Apr 2020 | vol.10 | No. 3027 | 16 Pages



احمد توکلی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

افرادی که در معرض ریاست مجلس هستند با مفاهمه مساله را پیش ببرند

نباید تلخی مجلس هشتم تکرار شود

موج دوم اعتراضات در لبنان چگونه شعله‌ورتر شد

انتقام سیاسی حریری با دلار

سینمای ایران در تولید محتوای کودک و نوجوان فقیر است

دست خالی سینمای ایران برای نسل قرنطینه

چه کسی پشتیبان کارگران است؛ امنیت شغلی و تعیین دستمزدها دست کیست؟

زنده باد کار کارگر

یادداشت

معلمان؛ راهبران یا کارگران برنامه درسی؟

جایگاه حقیقی معلمان دستگیری و نشان دادن راه رشد به دانش آموزان است

بدون تردید هر مکتب و نحلّه‌ای اذعان دارد که برای تحقق آرمان‌های خود به تعلیم و تربیت نیاز دارد و برای رسیدن به آرزوهایش نیازمند طراحی فرآیندی است که در آن بتواند انسان‌ها را به‌سوی اهداف مدنظرش سوق دهد. در تمام مکاتب فکری عملیاتی‌سازی این فرآیند برعهده معلمان است. به همین جهت معلمان در هر مکتب و جریان فکری یکی از ارکان جدی تحقق آرمان‌های جامعه هستند. با وجود جایگاه والای معلم در فرآیند رشد و تعالی جوامع، در جامعه ما این جایگاه جا نیفتاده و نیازمند معرفی است.

ابراهیم راستیان

پژوهشگر

به نظر می‌رسد بخشی از جامعه که منزلت معلم برایشان جا نیفتاده، خود معلمان باشند. تا زمانی که معلمان نتوانند جایگاه اصلی‌شان را به‌خوبی درک کنند، نباید انتظار داشت اقشار دیگر جامعه بتوانند منزلت این قشر را به‌خوبی بفهمند. همچنین مساله احیای جایگاه معلمان وظیفه خود آنها است و اگر افرادی غیر از معلمان بخواهند مستقیم و بدون نقش معلم در این عرصه ورود کنند، به نحوی جایگاه و منزلت معلم را متزلزل می‌کنند. به این مثال دقت کنید: ناظمی می‌خواهد جایگاه معلم را در کلاس احیا کند و میان تدریس او وارد کلاس درس می‌شود و تلاش می‌کند جایگاه معلم را برای دانش‌آموزان تبیین کند. هرچند ظاهر قضیه تعریف و تمجید محسوب می‌شود اما درحقیقت می‌تواند این برخورد ناظم را نوعی توهین به او تلقی کرد. چرا؟ چون به‌صورت غیرمستقیم به مخاطب چنین نشان می‌دهد معلمی که در مقام تعلیم است، نمی‌تواند جایگاه خود را نشان دهد و شخص دیگری باید وظیفه او را به‌عهده بگیرد و این جایگاه را برای دانش‌آموزان تبیین کند. البته دقت کنید منظور این نیست که مسئولان و خانواده‌ها وظیفه احیای منزلت معلم را ندارند، بلکه مقصود این است که متوجه شویم معلم در این عرصه نقشی بی‌بدیلی دارد و ارکان دیگر تربیت، از جمله مسئولان و خانواده‌ها و... باید در کنار او به احیای این جایگاه بپردازند.

معلمی؛ شغل انبیا

تصور ظاهری میان برخی معلمان این است که در فضایی که بی‌مهری و بی‌توجهی به نیازها و دغدغه‌های آنان فراوان است، این جمله امام‌خمینی (ره) که فرمودند «معلمی شغل انبیا است» یک شعار دلخوش‌کن برای معلمان است؛ اما اگر مبنای حرف امام را یک مساله قرآنی بدانیم نه یک شعار که در برهه‌ای از زمان مطرح شده، طبیعتاً باید دقیق‌تر و عمیق‌تر نسبت معلمان و انبیا را مورد بررسی قرار داد. وظیفه اصلی تمام انبیا رساندن انسان‌ها به کمالات مطلوب انسانیت است. به تبع انبیا، وظیفه اصلی تمام معلمان رساندن انسان به چنین جایگاه والایی است؛ حال فرقی نمی‌کند که معلم ریاضی باشد یا فیزیک یا ادبیات یا ورزش یا... جهت تمام علوم که معلمان در مدارس تدریس می‌کنند باید در راستای تعالی و رشد انسان باشد. طبیعتاً معلمی که می‌خواهد انسان‌ها را به‌سمت کمال هدایت کند، نمی‌تواند خود فاقد کمالات باشد و به تعبیر فلسفی «فاقد شیء معطی شیء» نخواهد

یافته و همچنین براساس استعدادهای من عالی و من دانی معلم، می‌تواند برنامه درسی مناسب با رشد و تعالی دانش‌آموزان خود را طراحی کند. در این نگاه آنچه بیش از همه اهمیت دارد، بازگشت کرامت معلم و احیای جایگاه معلمان است؛ چرا که جایگاه حقیقی معلمان دستگیری و نشان دادن راه رشد به دانش‌آموزان است و طبیعتاً آنها برای اینکه بتوانند وظیفه خود را به‌خوبی انجام دهند باید طراح برنامه درسی متناسب با دانش‌آموزان خود باشند، نه همچون کارگری که صرفاً مجری ساختارهای کلی و از پیش طراحی شده است. طبیعتاً لازمه چنین نگاهی به جایگاه معلم، تمرکززدایی و شکل‌گیری برنامه درسی متکثر است؛ برنامه‌ای که قواعد و اصول آن کلی و یکسان است و معلم براساس اقتضائات منطقه‌ای و قومی و فردی، این اقتضائات کلی را به یک برنامه جزئی تبدیل می‌کند. البته تکرار برنامه درسی که ذیل معلم طراحی می‌شود، برخلاف تکرار در برنامه‌های درسی مرسوم است که محور آنها تکرار و نسبیّت محض است و هیچ وحدتی بر آنها حاکم نیست.

معلمان؛ احیاگر جایگاه معلمان

شکی نیست که جایگاه معلم به‌صرفه گفتن احیا نمی‌شود و نیازمند فرهنگ‌سازی در جامعه است. طبیعتاً معلمان بهترین افراد برای تبیین جایگاه خود در جامعه هستند. الحمدلله معلم هنرمند در کشور بسیار زیاد است. معلمی که جایگاه و منزلت خود را می‌داند و از طرفی با مسائل تعلیم و تربیت آشنا است و از طرف دیگر هنرمند است، بهترین گزینه برای احیای جایگاه راهبری معلم در جامعه است. معلم‌ها باید بتوانند با ابزار رسانه ملی که به‌نظر وسیع‌ترین و عمیق‌ترین رسانه فعلی برای اثرگذاری است، سخن خود را به مسئولان عرصه تعلیم و تربیت برسانند. معلمان باید با ابزار رسانه به مسئولان بفهمانند که معلم کارگر آموزش و پرورش نیست، بلکه خط مقدم تعلیم و تربیت دانش‌آموزان است که مسئولان به‌عنوان نیروهای پشتیبان باید به آنها کمک کنند. باید به مسئولان به‌فهمانند آموزش و پرورش، یک فرزند سرراهی نیست که برای دولت هزینه‌های سرسام‌آوری ایجاد کرده است، بلکه آموزش و پرورش، مهم‌ترین امر زیرساختی کشور محسوب می‌شود که رشد و تعالی و پیشرفت یک جامعه منوط به آن است. همچنین به خانواده‌ها تذکر دهند که هیچ‌وقت معلم در امر تربیت، جای پدر و مادر را نمی‌گیرد و مساله آموزش و تربیت کودکان به‌هیچ‌عنوان قابل تفویض به دیگری نیست. باید به خانواده‌ها آموزش دهند که معلم نه جایگزین آنهاست و نه رفیق فرزندان‌شان، بلکه انسانیت است که زیر سایه انبیا به تعلیم و تربیت دانش‌آموزان اهتمام ورزیده است. درنهایت به این نکته اشاره کنم که اگر بتوانیم رسانه‌های رسمی و غیررسمی تعلیم و تربیت کشور را در اختیار معلمان قرار دهیم، به‌تدریج معلمان سلب‌ریتی‌های جامعه خواهند شد و سرعت رشد و تعالی و پیشرفت جامعه را چندبرابر خواهند کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. صحیفه امام، جلد ۹، صفحه ۲۹۱
۲. آیه مبارکه ۱۰۸ سوره یوسف

طراحی کنند که ناظر به اهداف آنان باشد و ثانیاً ذیل این ساختار نقش معلم و متعلم و همچنین مواد درسی را طراحی می‌کنند و ثالثاً با ابلاغیه‌های متعدد انتظار دارند مدیران و معلمان مدارس دستورات آنان را اجرا کنند. در این نگاه معلم تابع برنامه درسی و معلم کارگر برنامه درسی است. آنچه باعث شده عده‌ای تصور کنند جایگاه معلم و متعلم ذیل برنامه درسی است، غلبه ساختار آموزشی بر عاملیت معلم در نگاه سیاست‌گذاران کلان آموزشی است. اما اگر بخواهیم جایگاه و کرامت معلم را احیا کنیم باید به نحو جدی به عاملیت معلم و تقدم آن بر ساختار توجه کنیم؛ عاملیتی که فراساختار و ساختارساز است و تمام ساختارهای موجود به او قائم است.

عاملیت معلم در برنامه درسی

توجه به تقدم عاملیت معلم بر ساختارهای آموزشی مرسوم، موجب تمرکززدایی و تنوع برنامه درسی در آموزش و پرورش می‌شود. همان‌طور که بیان شد، اساس طراحی برنامه درسی و تعلیم محتوای درسی برعهده کسی است که این مسیر را طی کرده و اهداف مطلوب را به دست آورده است و تلاش می‌کند متعلم را در همان مسیری که طی کرده، تعلیم دهد. حال سوال اصلی این است که آیا می‌توان یک برنامه درسی واحد برای کل کشور طراحی کرد؟ برای پاسخ به این سوال باید درمورد حقیقت انسان کمی صحبت کنیم. از منظر حکمای اسلامی حقیقت انسان دارای دو من است: من عالی و من دانی. من عالی انسان که همان نشئه الهی انسان است و فطرت انسانی هم از بروز و ظهورهای همان نشئه است، یک امر واحد و ضروری و کلی در بین تمام افراد انسانی است. اما انسان علاوه بر من عالی دارای من دانی هم هست که حقیقت این من به نشئه مثالی انسان که امری نسبی و متکثر و جزئی است، بازمی‌گردد. مثلاً مساله فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف اقوام و مزاج‌های مختلف انسانی و... به من دانی انسان برمی‌گردد. اگر معلم بخواهد برنامه درسی برای دانش‌آموزان طراحی کند، باید خودش واجد حقیقت علم در مرتبه عالی و دانی انسان باشد. شناخت من عالی انسان یعنی شناخت حقیقت الهی انسان که امری واحد و کلی و باطنی است اما شناخت من دانی انسان یعنی شناخت یک حقیقت متکثر و جزئی و نسبی. براساس آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت، نمی‌توان برای تمام انسان‌های روی کره زمین یک برنامه درسی واحد طراحی کرد؛ چرا که در برنامه درسی واحد، تکثیرها و تفاوت‌های فرهنگی و منطقه‌ای دیده نمی‌شود و همچنین نمی‌توانیم برای هر قوم و فرهنگی یک برنامه درسی کاملاً مجزا و متفاوت طراحی کنیم؛ چرا که در این صورت اقتضائات انسانیت که یک حقیقت مشترک میان تمام افراد انسان است لحاظ نمی‌شود. اهل بیت علیهم‌السلام نیز با اینکه در مقام عصمت قرار داشته‌اند و عالم به کل حقایق هستی بودند اما با این حال در مقام تعلیم یک روند واحد و یک محتوای درسی واحد برای انسان‌ها نداشته‌اند و حتی وقتی تعامل حضرات معصومین با یاران خود را مشاهده می‌کنیم، متوجه تنوع برنامه‌های آنان برای اصحاب خود می‌شویم و این تنوع برنامه همه ذیل تعالی و رشد انسان بوده و هیچ تنافی با یا رشد استعدادهای الهی انسان نداشته است.

بنابراین معلم براساس فرآیندی که طی کرده و هدف مطلوبی که دست

بوده، لذا معلمان محترم در این زمینه باید جلوتر از معلمان خود باشند. خداوند سبحان به پیامبراکرم چنین می‌فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» پیامبر اسلام با بصیرت نسبت به مسیر و هدف، مردم را به‌سوی حق دعوت می‌کند. به تعبیری مسیر هدایت مردم برای پیامبر یک مسیر تاریک و ظلمات نیست، بلکه راه روشن و مقصود در آغوش ایشان است و با چشم باز مردم را به خدا دعوت می‌کند. حال چگونه ممکن است پیامبر مردم را با بصیرت به حقیقت الهی عالم دعوت کند و مقصود در آغوشش باشد؟ براساس مبانی حکمت اسلامی، وجود مبارک پیامبراکرم، حقیقت الهی عالم است که مقام ظهور تمام کمالات حضرت حق است و لذا پیامبر از حقیقت الهی خود غافل نیست و انسان‌ها را به حقیقت الهی خود دعوت می‌کند. معلمان نیز در هر رشته و تخصصی که هستند، انسان‌ها را در همان مسیری قرار می‌دهند که خودشان رسیده‌اند و چشیده‌اند. به همین جهت گفته می‌شود تمام معلمان در مسیر تربیت، دانش‌آموزان را به «خود» دعوت می‌کنند؛ اما سوال اینجاست که کدام «خود»؟ اگر این خود در یک مکتبی دعوت به خود حیوانی باشد، متریبان را به سمت اهداف حیوانی دعوت می‌کند و اگر این خود در یک مکتب خود الهی باشد، متریبان را به سمت اهداف الهی هدایت می‌کند. بنابراین معلمان هرقدر خود را به پیامبران نزدیک کنند، به حقیقت الهی نزدیک شده‌اند و به همان اندازه می‌توانند انسان‌ها را به حقیقت انسانیت برسانند.

معلم؛ طراح برنامه درسی

انبیا مکلف به اجرای تمام دستورات دینی در جامعه بوده‌اند اما دستورات دینی این‌گونه نبوده که از بیرون بر پیامبران تحمیل شود و پیامبران صرفاً مجبور به عملیاتی کردن این دستورات الهی باشند، بلکه اساساً دستورات دینی از بستر وجودی پیامبر به مردم ابلاغ می‌شد و همان‌طور که بیان شد پیامبر واجد کمالات تمام دستورات دینی بوده است. این قاعده دقیقاً برای معلمان قابل تطبیق است. معلمان کارگران عملیاتی‌سازی برنامه درسی نیستند که صرفاً باید فلان کتاب را بخوانند و مانند ضبط صوت حفظ و در کلاس اجرا کنند، بلکه برنامه درسی دانش‌آموزان نیز باید از مجرای وجودی معلم عبور کند و معلم باید بتواند براساس موقعیت زمانی و مکانی و مخاطب خود برنامه و محتوای درسی دانش‌آموزان را طراحی کند و خودش مجری آن محتوا و برنامه درسی نیز باشد. در روند طراحی برنامه درسی مرسوم چنین پنداشته می‌شود که دانش‌آموزان و معلمان ذیل ساختارهای موجود هستند و اگر ساختار خوب طراحی شده باشد می‌تواند انسان‌ها را به اهداف تعالی برساند. بر همین اساس برای اینکه بتوان انسان‌ها را به اهداف مطلوب رساند، باید ساختارهایی طراحی کرد که طی فرآیندی خاص جامعه را رشد دهد. درواقع افرادی که طراح برنامه درسی هستند و جایگاه معلم و متعلم را ذیل برنامه درسی می‌دانند، پیش‌فرض‌هایی را پذیرفته‌اند؛ اول اینکه انسان‌ها محکوم ساختارهایی هستند و ثانیاً تحول در رشد انسانی را منوط به تحول در ساختارهای موجود می‌دانند و ثالثاً معلمان را کارگران آموزش و پرورش می‌پندارند. درنتیجه برای آموزش انسان‌ها اولاً تلاش می‌کنند ساختاری را